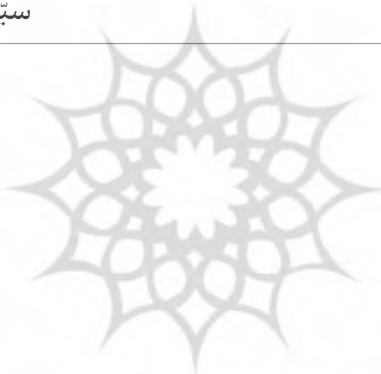


# نسخه‌ای بین المذاهبی و معرفی دو تقریظ شیعی از سده هفتم

سید حسن موسوی بروجردی

| ۲۷۴-۲۵۹ |



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
انواع علوم انسانی

**An Interfaith Manuscript and the Introduction of Two Shiite Book Endorsements from the Seventh Century**  
Sayyed Hasan Mousavi Boroujerdi

**Abstract:** The works titled «Andarznāme» are outstanding and valuable examples of the literary heritage of the orient nations and have a special place in the Arabic and Persian languages and literature. Usually, such works, away from ideological biases, try to establish an effective and stable relationship with their audience, and in this direction, they use all human cultural resources. The present article introduces one of these works, namely the book «Adab al-Siyāsah Biladl wa Tabyīn al-Ṣādiq al-Karīm al-Rafī Bilbaḳ min al-Aḥmaq al-Laīm al-Waḳī Biljaḥl» written by al-Mubārak bin al-Khalīl al-Khāzandar al-Badri Al-Mowsili al-Irmawī and a precious and newly found manuscript of this book. This manuscript, besides the text of the book, contains unique features such as a commentary by Shiite scholars such as Ali bin Isā Irbilī and Abdul Karīm bin Ṭāvūs, written by themselves.

**Keywords:** Training Literature, Writing Andarznāme, 7th Century Manuscripts, Political Ethics, Book Endorsement.

چکیده: اندرزنامه‌ها نمونه‌های برجسته و ارزشمندی از میراث ادبی شرقیان و دارای جایگاهی ویژه در زبان و ادبیات عربی و فارسی هستند. معمولاً این گونه آثار به دور از سوگیری‌های ایدئولوژیک، تلاش دارند ارتباطی مؤثر و پایدار را با مخاطبین خود برقرار سازند و در این راستا از همه‌ی بنمایه‌های فرهنگی بشری بهره‌می‌جویند. نوشتار حاضر به شناساندن یکی از همین گونه آثار یعنی کتاب «آداب السیاسة بالعدل وتبیین الصادق الکریم الرفیع بالعقل من الأحقق اللتیم الوضیع بالجهل» نوشته‌ی المبارک بن الخلیل الخازندار البدري الموصلي الأرموي و نسخه‌ای گرانمایه و تازه یافت از این کتاب می‌پردازد. این نسخه به غیر از متن کتاب در بردارنده‌ی ویژگی‌های بی‌مانندی چون تقریظی از علمای شیعی چون علی بن عیسی اربلی و عبد الکریم بن طاووس به دست نوشته خود ایشان هست

کلیدواژه: ادبیات تعلیمی، اندرز نامه نویسی، مخطوطات قرن هفتم، اخلاق سیاسی، تقریظ نویسی.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## جایگاه اندرز در فرهنگ شرق

میان ادیان الهی و فرهنگ‌های بشری، شرق خاستگاه «جگم و امثال» است. از دیرباز گفت‌و شنودهای روزانه مردم خاورزمین آمیخته با کوتاه‌واژگانی است که در خود پند و اندرزی نهفته دارند. واژگان در فرهنگ مشرق‌زمین با چنین روحی تقدس می‌یابند؛ از این رو ادبیات اندرزی، بخشی مشترک از میراث مهم فکری و فرهنگ محاوره‌ای این جغرافیا به شمار می‌آید. با بررسی ادبیات الهی و بشری در زبان‌های عربی، فارسی، هندی، چینی و... چه پیش از اسلام یا پس از آن درمی‌یابیم که اینگونه نوشتارها بهره‌شایانی برای انتقال ارزش‌های فرهنگی و دینی دارند و همواره دانشوران مکاتب فکری و اقوام گوناگون از آن بهره‌جسته‌اند. اندیشه‌ورزان شرقی این توانایی را داشته و دارند که حتی پیچیده‌ترین مفاهیم عبارات کسانی چون فلاسفه بزرگ یونان را با واژگانی کوتاه و گویا یا امثالی حکمت‌آمیز و رسا به آسانی بیان کنند.

با گسترش جغرافیای مسلمانان، آنان نیز از همین دریچه و با همین قالب بیانی - به عنوان زبان مشترک - برای گفتمان‌سازی و هم‌افزایی اندیشه‌ها استفاده کرده‌اند. به نظر می‌رسد در اینگونه از میراث فرهنگی و فکری تلاش می‌شود تا به الگویی یکپارچه برای مخاطب قرار دادن همه مردمان جهان فارغ از گوناگونی‌های فرهنگی دست یافته و بدین وسیله فرهنگ اسلامی بتواند الگویی آرمانی و جهان‌شمول شناخته شود و گسترش یابد.

کتاب‌هایی مانند نوادر الفلاسفة به قلم حنین بن إسحاق عبادی (۲۹۸ ق) و کتاب الکلم الروحانية في الحكم اليونانية اثر ابن هندو (متوفی ۴۲۰ ق) از منابع مهم مورد مراجعه دوست‌داران اینگونه معارف به شمار می‌آیند. گویی آمیختن کلمات پیامبر اکرم و امامان معصوم (علیهم السلام) و فرزندان مسلمان با دیگر پیامبرانی چون لقمان نبی (علیه السلام)، شیث نبی (علیه السلام) و اندیشمندان دیگر فرهنگ‌ها مانند بقراط، فیثاغورس، سقراط، افلاطون، ارسطو، اسکندر، بطلمیوس، جالینوس و دیگرانی چون ایشان به این منظور بوده که فرهنگ اسلامی نیز هم‌سو با همان هنجارهای فرهنگی دیگر جوامع بشری معرفی شود و با هم‌زبانی بتواند میان ایشان راه یابد.

دقیقاً ابوالوفاء مبشر بن فاتک (قرن پنجم هجری) در مقدمه اثر بسیار مهم خود یعنی مختار الحكم ومحاسن الكلم به همین نکته با این بیان اشاره کرده است: «كنتُ قد قرأتُ كتباً فیها أشیاء من آداب الحكماء اليونانیین ومواعظ العلماء المتقدّمین فرأيتُ فیها وصایا أعجبتُني، ومواعظ التاطتُ بقلبي وأدأباً استحسنْتُها نفسي؛ یكثرُ انتفاعُ المتدبّر لها... فحداني ذلك علی أن جمعتُ منها فی کتابي هذا ما رأيتُهُ نافعاً... فتخیرتُ من أقوالِ هؤلاء الحكماء ما رأيتُهُ نافعاً فی عاجلٍ أو آجلٍ واعتمدتُ فی ذلك علی انتخاب کلام الإلهیّین منهم الموحّدين من جملتهم؛ إذ كانت أقوالهم شافية ومقاصدهم صحيحة، وأتبعْتُهم باللاحقين بهم فی الحكمة، المشهورین بالأفعال الحسنة ولم يمنعني اختلاف مذاهبهم وتباين طرقهم وتقادم عهدهم من أن أستمع

أقاولهم وأتبع أحسنها»<sup>۱</sup>.

از مهم‌ترین نمونه‌های اینگونه آثار در زبان فارسی می‌توان به کتاب جاویدان خرد از ابوعلی مسکویه رازی (تألیف شده بین سال‌های ۳۷۶ تا ۳۸۲ ق) اشاره کرد که یکی از اندرزنامه‌های برجسته دوره اسلامی است که در آن گفتارهایی پندآموز از فرهنگ گویشوران فارسی، عربی، هندی و رومی همراه با سخنانی از دانشمندان مسلمان مانند ابونصر فارابی، ابوالحسن عامری و ابن المقفع آمده است.

از همان دست آثار همچنين می‌توان به نصیحت‌نامه یا قابوس‌نامه امیر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر زیاری (تألیف ۴۷۵ ق) اشاره کرد. این کتاب که به زبان فارسی تألیف شده، اندرزنامه‌ای است که با بهره‌گیری از نیروی واژگان فرهنگ‌های گوناگون، افسون‌گرانه به پند و اندرز پرداخته است.

نمونه‌هایی دیگر از این آثار، اندرزنامه‌هایی است که فرمانروایان و دیگر سیاست‌ورزان را مخاطب قرار داده است؛ برای نمونه می‌توان از اثر بسیار مهم خواجه نظام الملک طوسی به زبان فارسی یعنی سیاست‌نامه (تألیف شده بین سال‌های ۴۷۹ تا ۴۸۴) اشاره کرد.

گفتنی است از اینگونه اندرزنامه‌ها نمونه‌های بسیار پرشماری نیز به زبان عربی نگاشته شده‌اند که آرایه‌های ویژه این زبان به سحر بیان آن آثار افزوده است و نیازی به نام بردن از آنها در این کوتاه نوشته نیست.

نباید فراموش کرد آن دسته از آثار حدیثی که در آنها کلمات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بارویکردی ادبی گردآوری شده است، بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری خود از همین میراث ادبی و حکمی گرفته‌اند؛ از این رو آثاری چون شهاب الاخبار و دستور معالم الحکم قاضی قضاعی شافعی (۴۵۴ ق) یا نهج البلاغه سید رضی (۴۰۶ ق) و غرر الحکم آمدی (۶) یا پیش از آنها کتاب مائة کلمة منسوب به جاحظ (۲۵۵ ق) همواره از جایگاهی ویژه نزد عموم برخوردارند.

### نسخه‌ای تازه یاب از کتابی مهم در ادبیات اندرزی

در یکی از سفرهای خود به شهر استانبول به نسخه‌ای بسیار نفیس و کهن از همین‌گونه آثار دست یافتیم که جدای از متن بسیار گیرای کتاب که با همان رویکرد فرامذهبی بلکه فراسلامی گردآوری شده است، خود نسخه خطی آن نیز در بردارنده شاخصه‌های بسیار مهم تاریخی و فرهنگی است که در همان فضای هم‌گرایی فرامذهبی نیز جایگاهی بسیار ویژه می‌یابد.

نام این کتاب «آداب السیاسة بالعدل و تبیین الصادق الکریم الرفیع بالعقل من الأحقق اللئیم

الوضیع بالجهل» به خامه المبارک بن الخلیل الخازندار البدری الموصلی الأرموی است. هیچ آشنایی با مؤلف این کتاب وجود ندارد و هرآنچه از شخصیت علمی او دانسته می‌شود یا برگرفته از متن همین کتاب اوست یا به نشانه‌ها و افزوده‌هایی بازمی‌گردد که بر روی این نسخه خطی نگاشته و ضبط شده است.

## کتاب و مؤلف

مؤلف از دانشمندان نیمه قرن هفتم هجری است. وی در این کتاب پیرامون خیر و شر، صلح و جنگ، نیکی و پلیدی، راست و دروغ، حاکم و محکوم، ظالم و مظلوم با بهره‌گیری از آیات قرآنی و احادیث و حکم و امثال شعری و نثری بزرگان و دانشمندان اسلامی با مذاهب و اندیشه‌های گوناگون سخن رانده است. به خوبی روشن است که کسانی چون شهاب الدین محمد بن أحمد الأبشیهی (۸۵۰ هـ) نیز از این کتاب بهره جسته‌اند و این از شیوه او در نقل قول‌ها در کتاب المستطرف فی کل فن مستطرف بسیار روشن است.

با چشم پوشی از موشکافی پیرامون چند مورد در متن کتاب، شاید بتوان گفت گردآورنده کتاب بسیار تلاش کرده است تا حتی شیعیان نیز از این کتاب بهره‌مند شوند و سفرهای را پهن نماید تا شیعه و سنی بر سر آن اتفاق کنند، چه اینکه مؤلف هیچ کلامی از خلفای سه‌گانه در این کتاب نیاورده است و دیگر اینکه کتاب را نیز به عطا ملک جوینی که گرایش‌های آشکار شیعی دارد، اهدا کرده است.

بیشتر ابواب کتاب با احادیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و سپس از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آغاز شده است؛ حتی روایاتی چند از امام صادق (علیه السلام) ذکر می‌کند. جالب اینجاست که مؤلف در تمامی این موارد از عبارت «علیه السلام» پس از ذکر نام پیامبر اکرم و ائمه معصومین (علیهم السلام) استفاده کرده است، مگر در یک مورد که به عبارت «صلی الله علیه و سلم» بسنده کرده است.

او در باب شانزدهم کتاب خود، در بیان «فضائل الخلافة والإمامة» تلاش بسیار کرده است تا تعریفی شیعه‌پسندانه از امامت ارائه دهد؛ ولی در بخش «الاعتدال» عباراتی دارد که به خوبی بیان‌کننده آن است که او اعتقادی به امامت الهی و منصوص ندارد.

## دو نسخه مادر کتاب

از این کتاب چند نسخه برجای مانده است که مهم‌ترین آنها دو نسخه کتابخانه سلیمانیه است که یکی از آنها در مجموعه کتابخانه ایاصوفیا به شماره ۲۸۴۰ و دیگری در کتابخانه کوپرلی به شماره ۱۲۰۰ نگه‌داری می‌شوند. در این نوشتار نگاهی به این دو نسخه از کتاب خواهیم داشت.

(نسخه کتابخانه ایاصوفیا): این نسخه به خط عالم و ادیب مشهور جمال الدین حسین بن آیاز النحوی البغدادی است که آن را در ۵ صفر سال ۶۸۱ قمری به پایان برده است.

(نسخه کتابخانه گوپرلی) این نسخه نیز به خط یکی از دانشمندان ناشناخته بغداد به نام حامد بن احمد بن محمد خادم رباط الحریم است که آن را در آخر صفر سال ۶۸۲ هـ از همان نسخه قبلی به خط حسین بن آیاز کتابت کرده است.

جمال الدین حسین بن آیاز النحوی البغدادی (متوفای سال ۶۸۱ قمری)، از دانشوران و ادبای بزرگ بغداد به شمار می‌آید. ذهبی و دیگران از او به «شیخ العربیة بالمستنصریة ببغداد» تعبیر کرده‌اند.<sup>۲</sup> علامه حلی در اجازه کبیره خود در جایی که طرقتش را برای روایت کتب ادبی بیان می‌کند، او را اهل زمانش در علم نحو و صرف می‌شمارد و تمام کتاب‌هایی را که او اجازه، قرائت و روایت کرده و نیز تمام مؤلفات او را از وی روایت می‌کند و می‌گوید: «ومن ذلك جميع ما صنفه الشيخ السعيد جمال الدين حسين بن آياز النحوي - ره - وجميع ما قرأه ورواه وأجيز له روايته عني عنه، وهذا الشيخ كان أعلم أهل زمانه بالنحو والتصريف، له تصانيف حسنة في الأدب».<sup>۳</sup> چنان که در جای دیگر مؤلفات ابن الحاجب را به واسطه او روایت می‌کند و می‌نویسد: «ومن ذلك مصنفات ابن الحاجب، عني عن الشيخ جمال الدين حسين بن آياز النحوي، عن شيخه سعد الدين أحمد بن أحمد المغربي البيساني، عن المصنف».<sup>۴</sup>

اسماعیل باشا مؤلفات او را این چنین برمی‌شمارد: ۱. الاسعاف في علم الخلاف؛ ۲. شرح التصريف لابن مالك؛ ۳. القواعد في المطارحة؛ ۴. المأخذ المتبع؛ ۵. المحصول شرح الفصول أعني فصول ابن معط في النحو؛ ۶. مسائل الخلاف في النحو المطارحة.<sup>۵</sup>

خاندار نسخه خود را دقیقاً با همان ترکیب نسخه حسین بن آیارو با خطی نزدیک به خط او کتابت کرده است. جالب اینجاست که در آغاز هر دو نسخه در دو صفحه مستقل و به شکلی بسیار نفیس و فاخر و ویکسان، با خط رقاع و آب طلائی دندان موشی نوشته شده است: اهدایی توسط مؤلف به دو برادر و وزیر نامدار؛ عطاملک و شمس الدین محمد جوینی که گرایش‌های شیعی داشتند، نوشته شده است.

از کیفیت هر دو نسخه پرواضح است که مؤلف این دو نسخه را از کتاب خود تهیه کرده تا یکی را به عطاملک و دیگری را به برادرش شمس الدین اهدا نماید.<sup>۶</sup> این دو برادر از وزرای معروف،

۲. تاریخ الإسلام، ج ۵۱، ص ۷۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۶۵.

۴. همان، ص ۱۰۴.

۵. هدیة العارفین، ج ۱، ص ۳۱۳.

۶. اشاره به این نکته لازم است که حسین بن آیاز در همان سال پایان کتابت این نسخه در سال ۶۸۱ هجری از دنیا

خوش‌نام، دانشور و دانش‌دوست ایلخانان مغول بودند. خواجه نصیرالدین طوسی رساله «اوصاف الاشراف» را به نام شمس‌الدین نگاشته است. عظاملک جوینی که برای مدت ۲۴ سال حاکم بغداد بود، کسی است که بسیاری از شعرا چون سعدی شیرازی در مدح وی قصایدی سروده‌اند. عظاملک دارای رسائل و اشعار و حکم و امثال بوده که اجازه روایت تمام مصنفات خود را به ابن الفوطی داده و در ۶۷۷ در قلعه تبریز اشعار خود را بر او املا کرده است.<sup>۷</sup>

این کتاب پیش از این در دو جلد منتشر شده است؛<sup>۸</sup> ولی متأسفانه محقق آن از نسخه دوم کتاب در کتابخانه کوپرلی که به خط حامد بن احمد بن محمد بن احمد بن رباط الحریم است، بهره نبرده است. شاید محقق با صرف مشاهده اینکه (نسخه خادم رباط الحریم) از روی «نسخه حسین بن آیاز» کتابت شده، از بررسی آن منصرف شده است؛ غافل از اینکه بر روی نسخه خادم الحریم فواید و افزونه‌هایی درج شده است که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار هستند و دست‌کم ذکر آنها در مقدمه اثر برای شناسایی ارتباطات فرهنگی و بین‌المذهبی در آن دوره و همچنین ارتباط مؤلف با دیگر دانشمندان عصر خود بسیار مهم و ضروری است. گفتنی است که این فواید یکی از مهم‌ترین نشانه‌هایی است که گواه ارتباط‌های بین‌المذهبی میان دانشمندان قرن هفتم هجری به شمار می‌آید و از منظر تاریخی بسیار ارزشمند هستند.

از مؤلف کتاب و دو ناسخ کتاب حسین بن آیاز و حامد بن احمد خادم رباط الحریم نشانه‌های آشکار تصوّف دیده می‌شود. میعاد شرف‌الدین الکیلانی در کتاب خود تاریخ تکلیا بغداد<sup>۹</sup> نیز درباره «رباط» که در نام حامد بن احمد خادم رباط الحریم آمده، آورده است که رباط در اصطلاح متصوّفه به بنایی گفته می‌شود که بزرگ‌تر از «زاویه» باشد و شامل اتاق‌هایی بزرگ و کوچک برای عزلت و خلوت متصوّفین است. هر رباطی شیخی دارد که اداره امور رباط و تربیت مریدان و تدریس و حفظ قرآن بر عهده اوست. حمید الدراجی در کتاب الربط والتکلیا البغدادیة نیز توضیح واضح‌تری از رباط به دست داده و آورده است: «الرُّبُطُ التی کانت حصوناً فی الثغور الإسلامیة علی وظائفها العسکریة، وانزواء الزهاد والنساک فیها، وتحولها الی مراكز فکریة وثقافیة واجتماعیة الی جانب وظائفها الخیریة».<sup>۱۰</sup>

## درباره نسخه خادم رباط الحریم

بر روی نسخه «خادم رباط الحریم» چند تقریظ برای کتاب و مؤلف به خطوط دانشمندان بزرگ

رفته است؛ چنانچه در کنار نام ابن آیاز در تقویمه نسخه بن احمد خادم رباط الحریم به این نکته اشاره شده است: «توفی الشیخ جمال‌الدین حسین بن آیاز النحوی لاسنة احدى وثمانین وستمائة رحمه الله تعالى آمین».

۷. تلخیص مجمع‌الآداب؛ ج ۴، ص ۱۳۵.

۸. چاپ شده به تحقیق الشیخ سید کسروی حسن در ۲ جلد، ناشر دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۹ م.

۹. تاریخ تکلیا بغداد؛ ص ۲۸-۳۰.

۱۰. الربط والتکلیا البغدادیة؛ ص ۱۵.

بغداد آن دوران نگاشته شده است که مهم ترین ویژگی این نسخه به شمار می آید. اینگونه برمی آید که مؤلف پس از آنکه نسخه مسوده اصل خود را به کمک خط زیبای حسین بن آیاز بازنویسی کرده و در موارد زیادی در حاشیه های همان نسخه حسین بن آیاز نکاتی طولانی به کتاب می افزاید، سپس دوباره به کمک حامد بن احمد خادم رباط الحریم نسخه کامل و نهایی از کتاب خود آماده و آن را به مشایخ بزرگ بغداد عرضه می کند و هر یک به صورت جداگانه برای وی تقریظی در ابتدا و انتهای نسخه می نویسند.

### تقریظ های نوشته شده بر کتاب

تعداد تقریظ ها هفت مورد است که متأسفانه نام دو نفر از تقریظ نویسان شناسایی نشد. پوشیده نماند که بر نخستین صفحه دو علامت نظاره نیز وجود دارد که در قرن هشتم نگاشته شده و ارتباطی با مؤلف کتاب ندارد و مربوط به خوانندگان کتاب در عصور بعدی و متملکین نسخه است. آنچه از این تقریظ دریافتیم، به شرح پیش روست که سه تقریظ از آنها در نهایت اهمیت هستند: ۱. سال ۶۸۲ هـ در بغداد: بهاء الدین ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح الاربلی (ت ۶۹۲) صاحب کتاب کشف الغمة فی معرفة الأئمة.

۲. بدون تاریخ در بغداد در حرم امامین کاظم و الجواد (علیهما السلام): غیاث الدین عبدالکریم بن احمد موسی ابن طاوس الحسنی الحلّی (ت ۶۹۳ هـ) صاحب کتاب فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین (علیه السلام).

۳. بدون تاریخ: یحیی بن زید، ناشناس، با تقریظی بسیار ادیبانه و شاعرانه.

جمادی الأولى سال ۶۸۲ هـ: ابوالحسن علی بن احمد بن موسی بن محمد الجزری.<sup>۱۱</sup>

۴. سلخ جمادی الآخرة سال ۶۸۲ هـ: حامد بن أحمد بن محمد خادم رباط الحریم (ناسخ نسخه).

۵. سلخ محرّم سال ۶۸۴ هـ: عثمان بن الحجاج، ناشناس با خط نسخ بسیار زیبا.

۶. غرة شعبان سال ۶۸۲ هـ: ظهیرالدین ابوالمظفر محمد بن عمر النوح آبادی البخاری الحنفی،

امام مستنصریة بغداد و صاحب کتاب کشف الابهام لدفع الأوهام که آن را در سال ۶۶۸ تألیف کرده است.<sup>۱۲</sup>

۷. غرة صفر سال ۶۸۳ هـ: فخرالدین أحمد بن ابي غسان کامل بن محمود الشافعی الاصولی.<sup>۱۳</sup>

### دو تقریظ مهم شیعی کتاب

غرض از این یادداشت، معرفی دو تقریظ عبدالکریم بن طاوس و اربلی است. جالب آنجاست که تا

۱۱. تاریخ الإسلام؛ ج ۴۹، ص ۱۷۰.

۱۲. کشف الظنون؛ ج ۲، ص ۱۴۸۴.

۱۳. توضیح المشتبه لابن ناصرالدین الدمشقی؛ ج ۷، ص ۳۲.



به حال چند دستنویس از ربلی را در اختیار داریم؛ ولی تاکنون هیچ خطی از عبدالکریم بن طاووس در اختیار نبوده است و این تقریظ به خط خود او اولین خطی است که از او شناخته شد.

### (نص تقریظ علی بن عیسی الاربلی):

«وَقَفْتُ عَلَى بَعْضِ أَعْرَاضِ هَذَا الْكِتَابِ فَوَجَدْتُهُ صَحِيحَ الْمَبَانِي، مَلِيحَ الْمَعَانِي، فَوَائِدُهُ جَلِيلَةٌ، وَوُجُوهُ مَقَاصِدِهِ جَمِيلَةٌ، قَدْ قَيَّدَ جَامِعُهُ فِيهِ شَوَارِدَ الْأَدَابِ، وَأَتَى بِالْجُمْلَةِ وَالْفُضْلِ الْخَطَابِ، وَجَاهَدَ نَفْسَهُ فِي جَمْعِهِ، وَأَتَعَبَهَا، وَجَمَّلَهَا مَشَقَّةَ الْأَهْتِمَامِ، وَأَنْصَبَهَا، فَجَاءَ كَمَا تَرَى كَالرُّؤُوسِ الْمَمْطُورِ، وَاللُّؤُؤِ الْمَنْظُومِ وَالرَّهْرِ الْمَنْثُورِ كَأَنَّهُ قَالِبٌ لِكُلِّ هَوًى \*\*\* مُحَلَّةٌ وَالْمُنَى عَلَى قَدْرِ

فَلَيْهِ مَا حَوَاهُ مِنْ مَعَانٍ نَاصِعَةٍ، وَأَدَابٍ رَاضِعَةٍ وَحَلِمٍ بِخَيْرَاتِ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا جَامِعَةٍ، فَهُوَ بِخَرْقٍ قَدْ حَوَى نَفَائِسَ الْجَوَاهِرِ وَاللَّلَالِي، وَخَدِيقَةَ عُرْسَتِ بِهَا أَفْنَانُ أَفْكَارِ الْأَوَاخِرِ وَالْأُوَالِي، نُجُومُهُ زَاهِرَةٌ، وَمُعْجَزَاتُهُ بَاهِرَةٌ، وَالهِمَمُ عَنْ مُجَارَاتِهِ قَاصِرَةٌ، وَعُيُونُهُ إِلَى كَمَالَاتِ الْمَعَانِي نَاطِرَةٌ، وَوُجُوهُ أَعْرَاضِهِ نَاضِرَةٌ، فَهُوَ فَرِيدٌ فِي حِدِّهِ وَزَمْسِمِهِ، شَرِيفٌ لِنَسَبِ الشَّرَفِ وَمَمْنٌ عَمِلَ عَلَى اسْمِهِ

فَلَمْ تَكْ تَصْلُحْ إِلَّا لَهُ \*\*\* وَلَمْ يَكْ يَصْلُحْ إِلَّا لَهَا

– بَلَّغَهُ اللَّهُ آمَالَهُ وَأَشْبَعَهُ عَلَى الْكَافَةِ ظِلَالَهُ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ – وَكَتَبَ أَفْقَرُ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى رَحْمَتِهِ وَعَفْوِهِ عَلِيُّ بْنُ عَيْسَى بْنِ أَبِي الْفَتْحِ الْإِزْتَلِي – عَفَا اللَّهُ عَنْهُ – بِبَغْدَادَ، فِي سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَتَمَانِينَ وَسِتِّمِائَةٍ، حَامِدًا وَمُصَلِّيًا عَلَى رَسُولِهِ وَآلِهِ وَمُسَلِّمًا».

### (نص تقریظ عبد الکریم ابن طاووس):

«وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ

وَقَفْتُ عَلَى الْفَاطِ كَثِيرَةٍ مِنْ هَذَا الْكِتَابِ فَرَأَيْتُهَا نَاطِقَةً بِلسَانِ الصَّوَابِ، أَخَذَهُ مِنْ اللَّطَافَةِ وَالْفَصَاحَةِ بِتَصْيِيبٍ وَافِرٍ، جَامِعَةً أَشْتَاتِ الرَّجَاحَةِ وَأَسْبَابِ الْمَفَاحِرِ، نَاصِرَةً قَوْلَ مَنْ قَالَ: كَمْ تَرَكَ الْأَوَّلُ لِلْآخِرِ، وَلَا عَجَبَ مِمَّنْ قَصَدَ الْحَثَّ عَلَى مَا فِيهِ مَصَالِحُ الْعِبَادِ وَهَدَى أَيْتُهُمْ إِلَى لِقَمِ الْحَقِّ وَالرَّشَادِ أَنْ يُطَاوَعَهُ الْمَقَالُ وَيُسَاعِدَهُ تَفْصِيلُ الْكَلَامِ وَالْإِجْمَالِ، فَهُوَ وَجَلَّ جَلَالُهُ بِتَكْمِيلِ الْمُسْتَعِدِّينَ جَدِيرٌ، وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ فِي نَادِي الْمُفِيدِينَ قَدِيرٌ. وَكَيْفَ وَقَدْ انْصَمَّ إِلَى ذَلِكَ الدُّعَاءِ وَالثَّنَاءِ لِلدَّوَلَةِ الْمُعْظَمَةِ الْمَالِكِيَّةِ – لَا زَالَتْ مَحْرُوسَةً مِنَ الْغَيْرِ – بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْعُرَرِ، فَإِنَّ ذَلِكَ يُمَلُّ عَلَيْهِ فَيَكْتُبُ، وَيُسْعِدُهُ عَلَى مَا يَرُومُ وَيَطْلُبُ، وَيَلْبِقُ بِالكَرَمِ بَلْقَى هَذَا الْكِتَابِ بِرَاحَةِ الْقَبُولِ، وَأَنْ يَهَبَ عَلَيْهِ نَسِيمَ الشُّكْرِ وَالْقَبُولِ، فَقَدْ تَعَبَ فِيهِ مَدَّةً مِنْ زَمَانِهِ حَتَّى

خَرَجَ مُبَرَّرًا عَلَى أَقْرَانِهِ، وَمَنْ أَوْلَى بِإِجَابَةِ السُّؤَالِ وَيَبْلِيغِ الْأَمَالِ مِمَّنْ عَظُمَ شَأْنُهُ،  
وَسَيِّدَ فِي الْمَرَاتِبِ الرَّفِيعَةِ بُنْيَانَهُ؛  
هَذَا كِتَابٌ إِذَا تَأَمَّلَهُ دُوْ أَدَبٍ مَثُلَ زَوْصَةَ أَنْفٍ  
كَمْ فِيهِ مِنْ فِكْرَةٍ وَنَادِرَةٍ كَدَّرَتْهُ أُنْبُورَتْ مِنْ الصَّدْفِ  
كَتَبَهُ أَضْعَفُ عِبَادِ اللَّهِ تَعَالَى عَبْدُ الْكَرِيمِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ  
بِ بْنِ مُحَمَّدِ الطَّوْسِيِّ الْحَسَنِيِّ، حَامِدًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى نِعَمِهِ وَمُصَلِّيًا عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ  
وَأَلِيهِ الطَّاهِرِينَ، بِالْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ الْكَاطِمِيِّ الْجَوَادِيِّ - زَادَهُ اللَّهُ تَرَفًا - بِبَعْدَادَا. رَبِّ  
أَخْتَمَهُ بِخَيْرٍ».

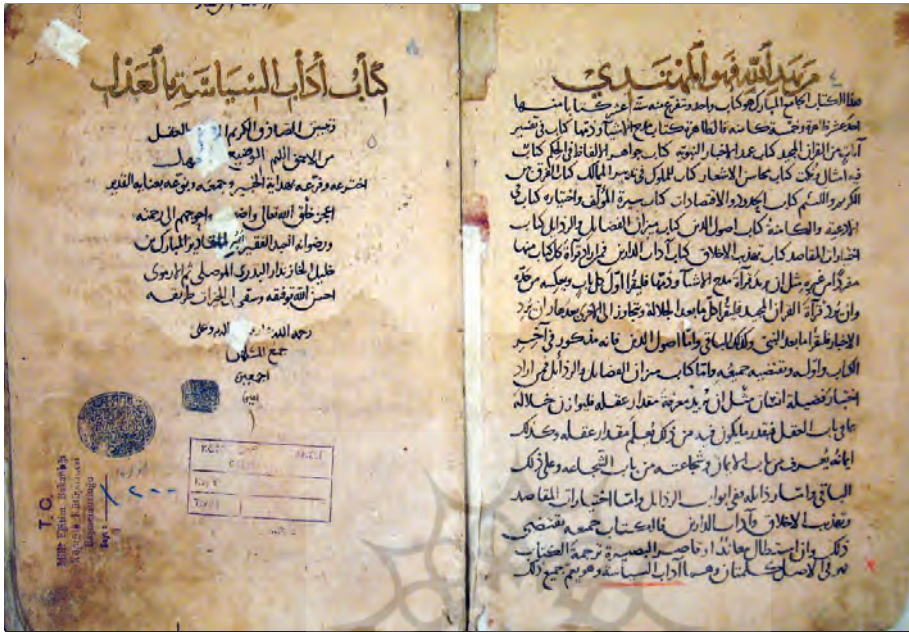
## کتاب نامه

ابن الفوطی، عبدالرزاق بن احمد؛ تلخیص الآداب فی معجم الألقاب؛ تحقیق مصطفی جواد؛ دمشق: وزارة الثقافة و الإرشاد القومي، مطبوعات مديرية إحياء التراث القديم، ۱۹۶۳ م.  
ابن فاتک، ابی الوفاء المبشر؛ مختار الحكم ومحاسن الكلم؛ تحقیق عبدالرحمن بدوی؛ مادرید: منشورات المعهد المصری للدراسات الإسلامية، ۱۹۵۸ م.  
البغدادی، اسماعیل باشا؛ هدیة العارفين أسماء المؤلفين واثار المصنفين؛ طبع بعناية وكالة المعارف الجليلة - استانبول در سال ۱۹۵۱ م، اوفست دار إحياء التراث العربي، بیروت - لبنان.  
الدارجی، حمید محمد حسن؛ الربط و التکایا البغدادیة فی العهد العثماني ۱۳۳۶-۹۶۱ هـ / ۱۵۳۴-۱۹۱۷ م تخطیها و عمارتها؛ بغداد: الشؤون الثقافية العامة، ۲۰۰۱ م.  
الذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان؛ تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الأعلام؛ تحقیق عمر عبدالسلام تدمري؛ ج دوم، بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۴۰۹ هـ.ق.  
الشهیر بجاحی خلیفة و کاتب جلیبی، مصطفی بن عبد الله؛ کشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون؛ بیروت: دار إحياء التراث العربي، [بی تا].  
القیسی الدمشقی، ابن ناصر الدین شمس الدین محمد بن عبد الله؛ توضیح المشتبه فی ضبط أسماء الرواة و أنسابهم و ألقابهم و کنابهم؛ تحقیق محمد نعیم العرقسوسی؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ هـ.ق.  
الکیلانی، السید مبعاد شرف الدین؛ تاریخ نکایا بغداد و المشیخة الصوفیة فی العهد العثماني؛ بیروت: دار الكتب العلمية، [بی تا].  
مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ تحقیق جمع من المحققين؛ بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.  
ناشناس؛ آداب السیاسة بالعدل و تبیین الصادق الکریم الرقیع بالعقل من الأحقق اللئیم الوضع بالجهل؛ تحقیق الشیخ سید کسروی حسن، بیروت: دار الكتب العلمية، ۲۰۰۹ م.

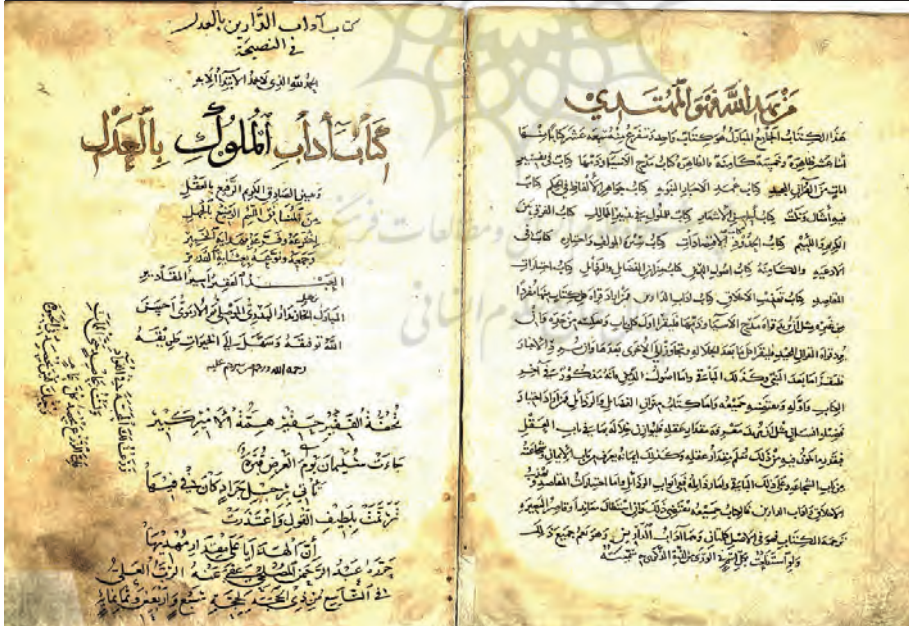


دو صفحه اهدای  
 کتابت شده بر روی دو  
 نسخه کتابخانه ایصوفیا  
 و کوپرلی که هر دو به یک  
 شکل با آب طلا دورگیری  
 شده و دندان موشی  
 تنظیم شده‌اند. ظاهراً  
 این کار را مؤلف انجام داده  
 تا این دو نسخه را به دو  
 برادر و وزیر دربار مغول  
 عطاملک و شمس‌الدین  
 محمد جوینی اهدا کند؛  
 چنانچه هم در مقدمه  
 کتاب و هم در همین دو  
 صفحه نام این دو برادر  
 نامدار آمده است.



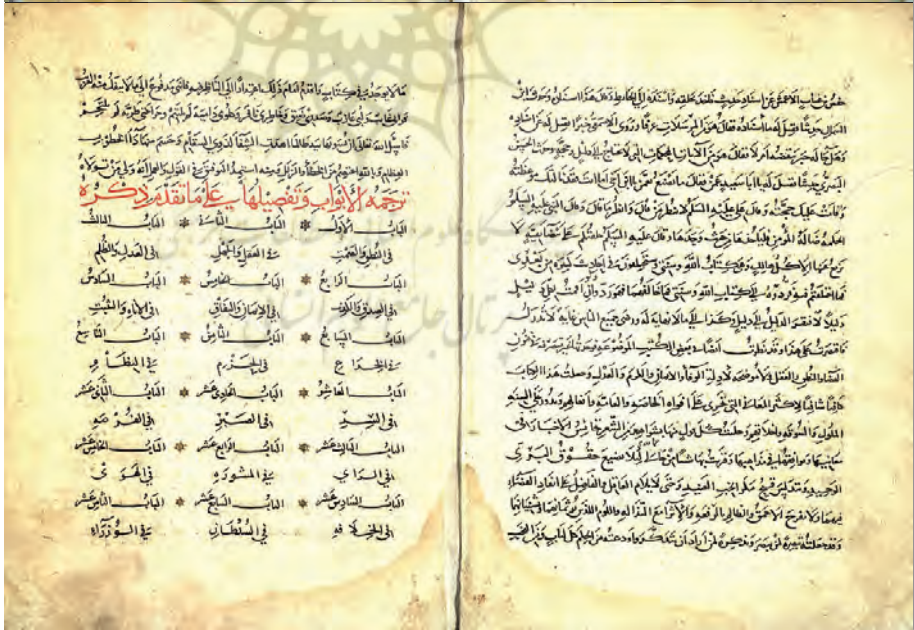


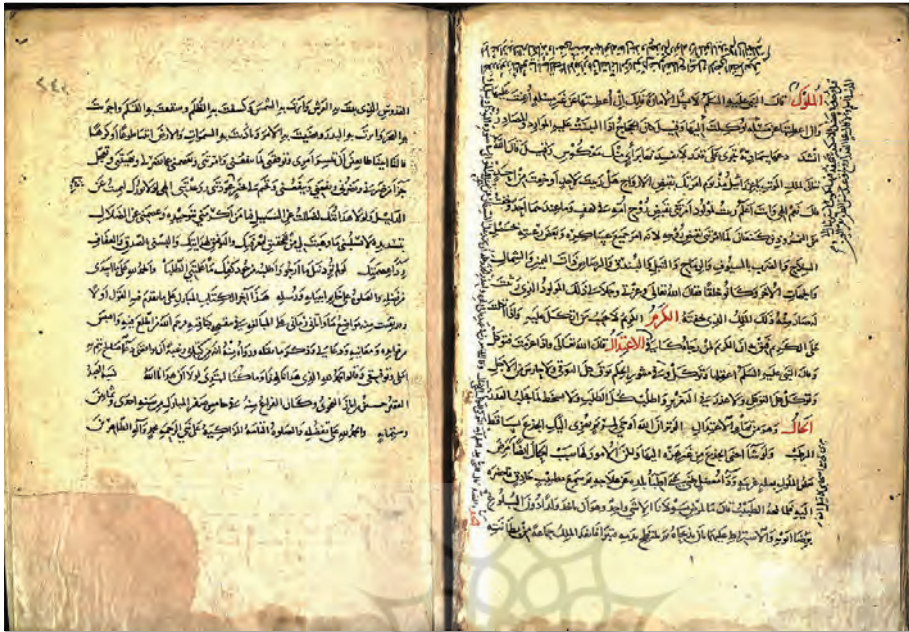
صفحه استهلالی دو نسخه کتابخانه ایاصوفیا و کوبیولی که باز هر دو به همان دلیلی که در توضیح دو تصویر سابق گفته شد، به یک شکل تنظیم شده اند.





دو تصویر از شروع بیان ابواب و فصول کتاب که باز به یک ترکیب کتابت شده‌اند.





صفحه پایانی نسخه ایاصوفیا و ترفیمة کتاب به خط جمال الدین حسین بن آبان نحوی بغدادی (استاد و شیخ اجازة علامة حلی) در ۵ صفر سال ۶۸۱ هـ.



صفحه پایانی نسخه کوپرلی و ترفیمة کتاب به خط حامد بن احمد بن محمّد خادم رباط الحریم در اواخر صفر سال ۶۸۲ هـ

آینه پژوهش ۳۰۱  
سال ۳۴، شماره ۳  
مرداد و شهریور ۱۴۰۲



ادامه تقریب کتاب در نسخه کوبلی به خط علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی صاحب کتاب کشف الغمّه فی معرفة الأئمة مورخ ۶۸۲ هـ در بغداد و بعد از آن تقریب سید غیاث الدین عبدالکرم بن احمد بن طاوس حسنی حلی صاحب کتاب فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین (علیه السلام) در حریم شریف امامین کاظمین (علیهما السلام) در بغداد و تقریبی از شخصی به نام یحیی بن زید آمده است.



در این تصویر در ادامه صفحات پایانی نسخه کوبلی، تقریب سه نفر دیگر به خط خود ایشان دیده می شود: ۱. ابوالحسن علی بن احمد بن موسی بن محمّد الجزری در جمادی الأولى سال ۶۸۲ هـ؛ ۲. حامد بن احمد بن محمّد خادم رباط الحریم (ناسخ نسخه) در سلخ جمادی الآخرة سال ۶۸۲ هـ؛ ۳. عثمان بن الختار در سلخ محرم سال ۶۸۴ هـ



در ادامه همان نسخه کوبرلی تقریظ طهری‌الدین ابوالمظفر محمد بن عمر النوح آبادی البخاری الحنفی، امام مستنصریة بغداد و صاحب کتاب کشف الابهام لدفع الأوهام در غزّه شعبان سال ۶۸۲ هـ به خط خودش دیده می‌شود.



در صفحه پایانی نسخه کوبرلی نیز تقریظی به خط فخرالدین أحمد بن ابی غسان کامل بن محمود الشافعی الأصولی در غزّه صفر سال ۶۸۳ هـ آمده است.